

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری

رضا محبوبی^۱

چکیده

هدف: تهیه مقیاس استاندارد برای اندازه‌گیری میزان دینداری؛ به خصوص در جامعه ایران که دینداری یکی از شاخصهای اصلی وضعیت اجتماعی است، یکی از ضرورتهای انکارناپذیر است؛ به ویژه اینکه اکثر شاخص‌هایی که برای سنجش دینداری ارائه شده‌اند، عمدتاً بر مبنای الگوهای غربی و دیدگاههای مسیحی گرا ساخته شده‌اند. لذا هدف اصلی این پژوهش، ساخت الگوی مفهومی و ابزار اندازه‌گیری بومی برای سنجش میزان دینداری بوده است. **روش:** این مطالعه به صورت میدانی و با استفاده از تکنیک مصاحبه در قالب پرسشنامه محقق ساخته به انجام رسیده و نتایج آن به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. **یافته‌ها:** در این تحقیق، یک الگوی مفهومی جدید مشتمل بر وجوه سه‌گانه و ابعاد چهارگانه دین (اعتقادات، ایمان، اخلاق و شریعت) برای سنجش دینداری طراحی و ارائه شد و نتایج آزمونهای آماری نشان داد که مقدار KMO محاسبه شده ابزار سنجش بیش از ۰/۷ بود (۰/۷۸۰) و نتیجه آزمون بارتلت نیز در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار بوده است. همچنین محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش دینداری نشان داد مقدار این ضریب بیش از ۰/۷ بوده است. لذا مقیاسها و ابزار محقق ساخته برای سنجش دینداری از اعتبار/روایی و اعتماد/پایایی لازم برخوردار شد. **نتیجه‌گیری:** معمولاً یکی از دغدغه‌های محققان، دستیابی به ابزاری است که اعتبار و روایی آنها به ویژه در جامعه ایران مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته باشد و این امر، به خصوص در تحقیقاتی که برای سنجش دینداری انجام می‌شوند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به نظر می‌رسد با تکیه بر نتایج تحقیق حاضر بتوان از مقیاس و ابزار سنجش دینداری که در این پژوهش معرفی شده است برای کارهای پژوهشی مشابه استفاده کرد؛ چرا که اعتبار این ابزار در این پژوهش به تأیید رسید.

واژگان کلیدی: مقیاس دینداری، اعتبار ابزار سنجش دینداری، پایایی ابزار سنجش دینداری.

♦ دریافت مقاله: ۹۳/۰۳/۱۱؛ تصویب نهایی: ۹۳/۱۰/۲۳

۱. دکترای رفاہ اجتماعی / آدرس: تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی / نامبر: ۸۸۹۶۰۵۳۵ / Email: re.mah1965@gmail.com

الف) مقدمه

«دینداری» در اکثر جوامع و از جمله در جامعه ایران یکی از ویژگی‌های بارز اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و بررسی اغلب پدیده‌های اجتماعی بدون توجه به نقش و کارکرد «دین» و «میزان دینداری» شهروندان، یک بررسی آشکارا ناقص است.

هیچ جامعه شناخته شده‌ای در طول تاریخ بدون دین نبوده است (دورکیم، ۱۳۸۳: ۳۲۹). در طول ادوار مختلف تاریخ و در جوامع متفاوت، ادیان به اشکال مختلف وجود داشته‌اند. در این میان، دین در جامعه ایران نیز همواره از جایگاهی خاص برخوردار بوده است. در طول تاریخ، ایران همیشه جامعه‌ای دینی بوده و دین در آن همه‌گیر بوده است؛ به گونه‌ای که در اغلب اوقات، دین فرانهادی بوده که سایر اجزای جامعه را تحت الشعاع خود قرار می‌داده است. شاید به جرئت بتوان گفت که مطالعه جامعه‌شناختی در هر زمینه‌ای در ایران، بدون لحاظ کردن دین، ناممکن است (فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۶)؛ این در حالی است که کوشش چندانی برای بومی‌سازی الگوها و سنجه‌های اندازه‌گیری میزان دینداری در ایران صورت نگرفته و اغلب پژوهشهایی که برای سنجش میزان دینداری و بررسی تأثیر عنصر دینداری بر سایر متغیرهای اجتماعی در ایران صورت گرفته و می‌گیرد، از الگوهای سنجش دینداری اندیشمندان غربی (به خصوص از الگوی گلاک و استارک) بهره می‌برند؛ در حالی که اساساً فهم اندیشمندان مسلمان از دین و ویژگی‌های آن و به تبع آن، فهم ما از ویژگی‌ها و صفات دینداران (که بازتاب‌دهنده میزان دینداری آنهاست) با فهم اندیشمندان مسیحی یا سایر جامعه‌شناسان، کاملاً متفاوت است و این امر، ضرورت انجام این پژوهش و ساخت الگویی بومی برای سنجش میزان دینداری را نمایان می‌سازد.

ب) ضرورت و اهمیت تحقیق

اقدام به منظور ساخت الگوی سنجش دینداری بر مبنای نقد سایر الگوها و با استفاده از نظریات اندیشمندان مسلمان، اقدامی است در جهت بومی‌سازی یکی از مفاهیم مهم و کاربردی حوزه علوم اجتماعی و این امر در شرایطی که تشکیک‌های جدی‌ای در خصوص کاربری مفاهیم و نظریه‌های غیر بومی در حوزه علوم اجتماعی به وجود آمده است، دستاورد قابل توجهی محسوب می‌شود.

بی‌توجهی به نقش دین در متغیرهای اجتماعی، موجب گمراهی برنامه‌های اجتماعی در سطح جامعه ایران می‌شود و با آرمانهای انقلاب اسلامی همخوانی نخواهد داشت.

توجه به آموزه‌های دینی در توضیح و تبیین متغیرهای مهم اجتماعی نظیر احساس امنیت، احساس عدالت، احساس رفاه اجتماعی و ... که عناصر تشکیل‌دهنده زیست اجتماعی سالم‌اند، در راستای منویات مقام معظم رهبری در خصوص ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی بوده، ظرفیتهای جدیدی را برای برنامه‌ریزان اجتماعی فراهم می‌کند که در شرایط کمبود امکانات مادی و فشار تحریمها و تنگنای اقتصادی، زمینه را برای زیست بهتر مردم فراهم کرده، دست کم شرایط روحی روانی را در سطح جامعه بهبود بخشند و شکاف بین انتظارات و امکانات را به حداقل برسانند.

ج) اهداف تحقیق

- با توجه به آنچه که ذکر شد، اهداف اصلی این مطالعه عبارتند از:
۱. نقد و بررسی الگوهای غربی و ایرانی موجود در زمینه سنجش دینداری.
 ۲. ساخت یک الگوی بومی برای اندازه‌گیری میزان دینداری در ایران.
 ۳. ارائه یک پرسشنامه استاندارد بومی برای سنجش دینداری با تأکید بر دین اسلام.

د) روش تحقیق

در این تحقیق، نخست بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد علمی، نسبت به ساخت الگوی مفهومی سنجش دینداری بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و سپس نسبت به طراحی ابزار سنجش اقدام شد و در نهایت، به منظور ارزیابی اعتبار و روایی ابزار توسعه یافته، پرسشنامه در شهر ارومیه با ۵۱ نمونه آماری^۱ که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، از طریق تکنیک مصاحبه (توسط پرسشگران آموزش دیده) اجرا و داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

ه) مبانی نظری و الگوی مفهومی متغیر «دینداری»

تعاریف موجود برای دین را از جهات مختلف می‌توان تقسیم کرد. از یک جهت، تعاریف دین یا درون‌دینی‌اند یا برون‌دینی؛ یعنی تعریف‌های موجود یا ناظر به یک نمود معرفتی و ذاتی‌اند یا نمودی خارجی و بیرونی را مد نظر دارند. مقصود از نمود معرفتی دین، تعالیم و آموزه‌هایی است که هر دینی آنها را به پیروان خود تعلیم می‌دهد و از آنها انتظار دارد به آن آموزه‌ها معتقد باشند یا به احکام آن عمل کنند. (سعیدی، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۴)

علاوه بر نمود معرفتی و آموزه‌ای دین، می‌توان نمودی خارجی و بیرونی نیز برای دین در نظر گرفت. دین هر چه باشد، تجلی و بلکه تجلیات بیرونی متعددی دارد. دین، منشأ شیوه‌های رفتاری، گرایشی و حالات روحی و روانی خاصی در انسانها می‌شود که می‌توان آنها را بُعد روانی دین در نمود خارجی‌اش دانست.

رویکرد جامعه‌شناسی دین در تعریف و مطالعه دین، رویکرد برون‌دینی است. آنچه جامعه‌شناسان، دین می‌نامند و آن را مطالعه می‌کنند، در واقع تجلیات اجتماعی دین است و نه خود آن. در واقع؛ جامعه‌شناس دین، «نهاد» دین را مطالعه می‌کند و نه خود دین را. البته جامعه‌شناس دین می‌تواند برای فهم بهتر، به منابع دینی هم مراجعه کند، ولی هدف نهایی او باز هم شناخت نهاد دین و کارکردهای آن است (همان: ۷۶). بنابراین، رویکرد ما به موضوع دین و دینداری، رویکردی جامعه‌شناختی است و با توجه به اینکه هدف ما در این تحقیق، در واقع ساخت الگوی و ابزاری برای سنجش دینداری با استفاده از الگوهای موجود و بررسی اعتبار و پایایی ابزاری است که بر مبنای این

۱. معمولاً برای ارزیابی روایی و پایایی ابزار سنجش از نمونه کوچک (شامل ۳۵ نمونه و در مواردی که بناست از روش تحلیل عاملی استفاده شود از نمونه‌ای شامل ۵۰ آزمودنی) استفاده می‌شود و بالطبع اگر ابزار سنجش در این نمونه کوچک دارای اعتبار و پایایی باشد مسلماً در نمونه‌های بزرگ‌تر نیز دارای اعتبار خواهد بود.

الگوی طراحی می‌شود. بنابر این، در اینجا صرفاً به مرور نظریه‌هایی می‌پردازیم که به ساخت الگوی دینداری نایل شده‌اند (هر چند همه این الگوها در واقع بر مبنای تعاریف و کارویژه‌های دین و قرائت‌های خاص از چیستی و ماهیت دین ساخته شده‌اند).

گفتنی است که در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی، دو رویکرد اصلی در مطالعه دین وجود دارد: نخست، رویکردی که بر بُعد مناسکی و اعمال دینی تأکید دارد؛ نظیر رابرتسون اسمیت و دورکیم. در این دیدگاه، عملکردهای مذهبی مانند مناسک و تشریفات، اهمیت اساسی دارند و برای شناخت میزان دینداری افراد به همین بُعد توجه زیادی می‌شود. دوم، گروهی که به جنبه‌های معنایی، ذهنی و نمادین دین توجه خاص نشان می‌دهند؛ نظیر گیرتی، برگر و لاکمن (۱۳۷۵). در این دیدگاه، اعمال و مناسک فرع بر نمادها و معانی‌اند و نقش آنها گوشزد کردن معانی متبلور در فرهنگ است (میلتون، ۱۳۸۷: ۱۶۹). اما به نظر می‌رسد برای شناخت دین و صفات دینداران (برای سنجش پذیرکردن میزان دینداری) می‌بایستی هم به جنبه‌های درونی و معنایی و هم به جنبه‌های بیرونی و مناسکی دین توجه کرد. این توجه در الگوهایی که تا کنون برای سنجش دینداری ارائه شده‌اند، به اشکال مختلف صورت گرفته است که در ادامه به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. الگوی دینداری لِنسکی

گرهارد لِنسکی از نخستین افرادی است که الگوی دینداری خود را در قالب سنجش ابعاد و شاخصهای دینداری در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده است. وی با استفاده از رویکردهای اجتماعی و شخصی، بیرونی و درونی، چهار بُعد مختلف برای دینداری تعریف می‌کند. دو بُعد از این ابعاد، با فعالیتهای جمعی دینداری ارتباط دارند و به فعالیتهای مشارکتی و نیز فعالیتهای معاشرتی مشهور شده‌اند. دو بُعد دیگر با گرایشهای گوناگون دینی در ارتباط‌اند که راست‌کیشی و عبودیتی نامیده می‌شوند. وی معتقد است که این چهار بُعد، کاملاً جدا و مستقل از همدند. لِنسکی هر یک از ابعاد دینداری را این گونه شرح می‌دهد: پایبندی معاشرتی مبتنی بر تعامل فرد با خانواده و دوستان و هم‌کیشانی است که با او در دین و فرهنگ دینی سهیمند؛ در حالی که پایبندی مشارکتی به مشارکت فرد در انجام فعالیتهای دینی، به خصوص به صورت جمعی اشاره دارد. به عقیده لِنسکی، جهت‌گیری عبودیتی یعنی همان ارتباط شخصی انسان دیندار با خدا، که موجب می‌شود فرد در تصمیمات مهم خود به خواست خدا، به طور جدی توجه کند. (گنجی، ۱۳۸۳: ۶)

لِنسکی الگوی دینداری خود را از آزمون بر کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و یهودیان به دست آورده و یافته‌های پژوهشی وی با ساختار و محتوای دینی این سه شاخه از دینداران منطبق است. (همان: ۷۱)

۲. الگوی دینداری گلاک و استارک

محققان معاصر با الهام از اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی دین، پژوهشهای کاربردی مفیدی را برای شناخت ابعاد دین و چگونگی تأثیر آن بر شئون مختلف زندگی بشر در جوامع گوناگون داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به اقدامات چارلز گلاک و رادنی استارک اشاره کرد. به نظر گلاک و استارک، همه ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوتند، دارای حوزه‌هایی کلی‌اند که دینداری در آن حوزه‌ها جلوه‌گر می‌شود؛ حوزه‌هایی که می‌توان آنها را به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت. (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری ♦ ۱۲۱

گلاک برای دین‌گرایی (دین‌باوری) پنج بُعد مختلف را مشخص کرد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۸۱) که عبارتند از:

۱- بُعد تجربی^۱ (زندگی روحانی و معنوی، هر تجربه‌ای که عملاً به عنوان تجربه دینی خوانده شود).

۲- بُعد آیین‌گرایانه^۲ (تشریفات و مناسک؛ اعمالی که در قالب دین انجام می‌شود، آداب و وظایف دینی).

۳- بُعد ایدئولوژیک^۳ (بیشتر بر اعتقادات دینی متکی است تا به عواطف و احساسات).

۴- بُعد عقلانی؛ فکری^۴ (شناخت اصول جزمی و متون مقدس ادیان).

۵- بُعد تبعی یا پیامدی^۵ (پیامدهای تجربی اعمال، اعتقادات دینی افراد در زمینه‌های مختلف زندگی).

برخی از منابع ادعا کرده‌اند که ابعاد دینداری منتسب به گلاک و استارک بعدها به چهار بُعد تقلیل یافته است (شجاعی زند، ۱۳۸۴). آنها اعلام می‌دارند که بُعد «پیامدی» به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد. از جمله اینکه، بُعد پیامدی فی‌نفسه پیامد دینداری است نه بُعدی از آن. بُعد پیامدی دینداری که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنشهای بشر است. از نظر این دو، بُعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی سنجه‌ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می‌شوند. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۳)

علاوه بر الگوی لیسکی (۱۹۶۱) و الگوی گلاک و استارک (۱۹۵۹، ۱۹۶۵، ۱۹۷۰)، کوششهای دیگری هم برای ساخت الگوهایی برای اندازه‌گیری دینداری و تشخیص نوع و سطح دینداری جوامع بر مبنای بُعدشناسی‌های خاص هر یک از متفکران ساخته و به جامعه متخصصین ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به الگوهای فوکویاما (۱۹۶۱)؛ دیجانگ، فاکنر و وارلند (۱۹۶۶ و ۱۹۷۹)؛ کینگ و هانت (۱۹۷۹)؛ هیمل فارب، کورن وال، آلبرخت، کانینگهام و پیچر (۱۹۸۶) اشاره کرد.

واقعیت این است که الگوها و سنجه‌های پیشنهادی در این الگوها، الگوهای غربی دینداری‌اند و در عین حالی که در جوامع خود دارای اعتبار علمی‌اند، به راحتی قابلیت تعمیم به سایر جوامعی که فاقد ویژگی‌های فرهنگی هماهنگ با جوامع مسیحی‌اند را ندارند. همچنین، اینکه در بحث دینداری و ابعاد تفصیلی یافته آن کمتر اثری از بُعد «شریعت»، یعنی پایبندی به احکام و دستورات دینی مشاهده می‌شود یا تفکیک روشنی میان «ایمان» و «اعتقاد» وجود ندارد و اغلب یکی به دیگری تقلیل داده شده، ناشی از غلبه رهیافت مسیحی بر آن است. اثر نگرش لائیک و الهیات لیبرال بر سنجه‌های معرفی شده در الگوهای غربی را به روشنی می‌توان در مغفول‌گذاردن بُعد «اخلاق» از مجموعه ابعاد دینداری و نشانیدن نابجای «تجربه دینی» به جای آن می‌توان دید؛ در صورتی که از پیامدها و نه از ابعاد دینداری

است. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۹)

1. Experimental
2. Ritualistic
3. Ideological
4. Intellectual
5. Consequential

در ادامه، الگوهای بومی ارائه شده برای سنجش دینداری در ایران معرفی می‌شوند.

۳. الگوی سنجش دینداری در اسلام از دیدگاه شجاعی زند

علیرضا شجاعی زند پس از بررسی نقادانه تعاریف (و به خصوص) الگوهای دینداری ارائه شده از سوی صاحب‌نظران غیر مسلمان و عمدتاً غربی، به ساخت یک الگوی دینداری بر مبنای دیدگاه اسلام از دین و دینداری پرداخته است. او با بررسی منابع اسلامی اعلام می‌دارد که: اسلام انسان را واجد حد اقل دو بُعد وجودی می‌شناسد (سجده: ۷-۹؛ حجر: ۲۹-۲۸) که در برخی تعابیر تا سه بُعد تفصیل پیدا کرده است. (صدرالمؤمنین، ۱۳۷۵: ۴۹۸؛ نقل از: شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۲)

درباره ابعاد دین در اسلام نیز تعابیر بعضاً متفاوتی وجود دارد که از سه بُعد «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» تا پنج بُعد «عقیده»، «ایمان»، «عبادات»، «اخلاق» و «شریعت» (فقه) گفته شده است. با تأمل در فحوای ادیان و آموزه‌ها و تعالیم آنها، سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری» قابل تشخیص است. این سه جنبه به بیانهای مختلف و درباره تمامی ادیان ابراز شده است. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۲)

صورت تفصیل یافته و ترکیب شده این سه جنبه، وجوه دیگری از دین را عرضه می‌دارد که برای ما شناخته شده‌ترند و رواج بیشتری دارند: «عقیده»، «ایمان»، «عبادت»، «اخلاق» و «شریعت». اینها مفاهیم و مقولاتی‌اند که هر کدام جنبه متمایزی از دین را معرفی می‌کنند و در عین حال در یک یا دو وجه از وجوه سه‌گانه پیش گفته ریشه دارند.

وی در نهایت چنین می‌گوید: شاید در یک بیان کلی بتوان چنین عنوان کرد که ارتباط و نسبت وجوه سه‌گانه ابعاد دین با ابعاد پنج‌گانه مذکور بر روی یک طیف قرار دارد؛ بدین نحو که «اعتقادات» در یک سر طیف، بُعد «معرفتی» دین و «شرعیات» در سر دیگر طیف، بُعد خالصاً «عملی» دین را می‌سازند و بقیه ابعاد در فاصله میان آن دو محصول ترکیبات متفاوتی از جنبه‌های معرفتی، عاطفی و عملی دین می‌باشند. دینداری را نیز اگر تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیل یافته‌اش بشناسیم، آنگاه دینداری عبارت است از: معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرف بودن. (همان: ۵۳)

۴. دیدگاه و الگوی دینداری محسنی تبریزی و کرم‌اللهی

علیرضا محسنی تبریزی و نعمت‌الله کرم‌اللهی در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت التزام دانشجویان به ابعاد و نشانه‌های دینداری» (۱۳۸۸) ضمن بررسی دیدگاهها و الگوهای ارائه شده توسط مسعود آذربایجانی (۱۳۸۵)، فقیهی و همکاران (۱۳۸۴)، محمد داوودی (۱۳۸۴) - که با رهیافتی روان‌شناسانه به بررسی ابعاد و نشانه‌های دینداری پرداخته‌اند - و نیز با معرفی الگوی شجاعی زند (۱۳۸۴) که با رهیافتی جامعه‌شناسانه همین کار را انجام داده، به نقد این چهار الگو پرداخته‌اند و پس از برشمردن نقاط ضعف و قوت کارهای ایشان، خود تعاریف و الگویی به شرح ذیل برای سنجش دینداری در فضای فرهنگی اجتماعی ایران را پیشنهاد داده‌اند:

بر اساس منابع اسلامی، دین اسلام دارای سه ساحت اصلی است که عبارتند از: «اخلاقیات» (باور و اعتقاد به حقایق و واقعیت‌های جهان هستی بر اساس توحید)، «عقاید» (تعالیمی که فضایل و رذایل اخلاقی را به انسان شناسانده و راه تهذیب نفس او را از رذایل و تحلّق او را به فضایل ارائه می‌دهد) و «شریعت/مناسک، احکام و مقررات». (جوادی

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری ♦ ۱۲۳

آنها سپس به تفصیل، به توضیح مراتب و مؤلفه‌های هر یک از این ساحتها پرداخته، نقش و رابطه هر یک از این ساحتها با دیگری را بیان کرده و طی این فرایند، با تفصیل قابل توجهی به تشریح گونه‌شناسی ابواب فقه و مسائل شریعت (یعنی دقیقاً نقطه ضعف الگوهای غربی) پرداخته‌اند تا به شاخصهایی برای سنجش دینداری در افراد مسلمان پی ببرند.

محسنی تبریزی و کرم‌اللهی در نهایت با الهام از الگوی شجاعی زند که با رهیافتی جامعه‌شناسانه تنظیم و ارائه شده بود، الگویی جدید برای سنجش تجربی دینداری پیشنهاد کرده‌اند. در طراحی این الگو، اهتمام ویژه‌ای به خصلت عملیاتی بودن و برخورداری از قابلیت سنجش تجربی اجزای گوناگون آن وجود داشته است. بنابر این، از آوردن بُعد «مؤمن بودن» و نیز پیامدهای دینداری که شجاعی زند نیز به دشواری اندازه‌گیری آنها اشاره داشته است، احتراز کرده‌اند.

♦ چنانکه پیشتر اشاره شد، الگوهای غربی اصولاً به دلیل رویکردها و رهیافتهای مسیحی برای سنجش دینداری در جوامع مسلمان کارایی لازم را ندارند و الگوهای بومی نیز با وجود برخورداری از برخی شباهتها در تشخیص ساحتها و ابعاد دین و ویژگی‌های دینداران، دارای نقاط ضعفی اند که به نظر می‌رسد با تلفیق این الگوها بتوان به ترکیب بهینه‌تری از یک الگوی کارآمد و معتبر برای سنجش دینداری دست یافت.

الگوی شجاعی زند در مقایسه با الگوی محسنی تبریزی، از آنجا که به موضوع «ایمانیات» توجه کرده است (اگر چه که شاید اندازه‌گیری آن کار دشواری باشد) و این موضوع بخش مهمی از دینداری تلقی می‌شود، می‌تواند الگوی کامل‌تری محسوب شده و به عنوان پایه اصلی الگوی ما در تحقیق حاضر قرار گیرد. در خصوص محل جای‌گیری این بُعد از ابعاد دین در الگوی سنجش دینداری نیز باید گفت که هر چند از دیدگاه علامه طباطبایی، «عمل به اعتقادات» وجه بارزی از ایمان محسوب می‌شود و در تعریف ایمان نیز به «التزام عملی به باورها و اعتقادات» اشاره داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۲۷۳؛ نقل از: صادقی حسن‌آبادی و عبدلی مهرجودی، ۱۳۸۷: ۲۱)، اما به نظر می‌رسد که قرار دادن «انجام عبادات - اعم از فردی و جمعی» در زیر مجموعه بُعد «عاطفی دین» در الگوی شجاعی زند می‌تواند نقطه ضعف این الگو باشد؛ زیرا با اینکه انجام عبادات می‌تواند آثار عاطفی بر روی فرد داشته باشد، ولی در جایی که وجه «عملی» دین و بُعد «شرعیات» در الگوی پیشنهادی شجاعی زند - و تقریباً در همه الگوهای دینداری اعم از غربی و ایرانی - وجود دارد، بهتر است وجه عملی ایمان را همان انجام عبادات و التزام به احکام الهی است و در ژمره شریعت و احکام قرار داد.

همچنین؛ درست است که کلیت دین برای همه ابعاد وجودی انسان (اعم از ذهن و روان و تن) راهبرد و تکلیف دارد، ولی به نظر می‌رسد به جای بُعد وجودی «تن» در الگوی شجاعی زند، بهتر است از بُعد «رفتار» سخن گفت که موضوع شریعت بوده و هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی.

توجه به این نکته نیز ضروری است که انجام اعمال دینی مستحب، به خودی خود می‌تواند وجه تمیزدهنده‌ای بین پاسخگویان باشد و دیگر نیازی نیست که انجام عمل مستحبی به دو شیء فردی یا جمعی تفکیک شود (آن گونه که در الگوی محسنی تبریزی آمده است)؛ چه اینکه بر اساس دستورات اسلامی، انجام اکثر اعمال عبادی به صورت جمعی، خود جنبه‌ای مستحبی دارد.

با این حال به نظر می‌رسد که توجه به ابعاد مختلف اعمال عبادی اعم از واجب یا مستحب بودن عمل و فردی یا جمعی بودن آن، از جمله نکات مثبت الگوی محسنی تبریزی به شمار می‌رود. همچنین، جدا کردن اعمال عبادی از اعمال غیر عبادی در الگوی محسنی تبریزی یکی دیگر از محسنات این الگوست که می‌توان از آن در الگوی نهایی بهره جست.

با انجام اصلاحات مذکور و تلفیق الگوهای شجاعی زند و محسنی تبریزی، در نهایت الگوی سنجش دینداری در این تحقیق به شرح ذیل طراحی و پیشنهاد می‌شود:

جدول ۱: الگوی نهایی پیشنهادی برای سنجش دینداری

ابعاد وجودی انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	
ذهن/ بینش	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	
روان/ گرایش	عاطفی	ایمانیات و احساسات	مؤمن بودن	داشتن واکنشها و احساسات دینی	
		اخلاقیات	اخلاقی عمل کردن	اخلاق فردی اخلاق جمعی	
رفتار	عملی: اعمال و احکام	شریعت	انجام اعمال عبادی	انجام مناسک دینی	
			عمل به تکالیف فردی	داشتن ظاهر دینی	
				ابراز هویت دینی	
			عمل به تکالیف جمعی	التزام به احکام و اعمال غیر عبادی	داشتن اهتمام شعائری
				داشتن مشارکت دینی	
				داشتن معاشرت دینی	
اهتمام دینی در خانواده					

(برگرفته از الگوی شجاعی زند، ۱۳۸۴؛ الگوی محسنی تبریزی و کرم‌اللهی، ۱۳۸۸؛ با اصلاحات توسط نگارنده، ۱۳۹۲)

و) ساخت مقیاس سنجش

در این قسمت، پس از تعریف عملیاتی دینداری، به تشریح ابعاد چهارگانه آن پرداخته و سپس معرفت‌های مربوط به هر بُعد را شناسایی خواهیم کرد تا بر مبنای آن نسبت به طراحی ابزار سنجش اقدام کنیم.

- تعریف عملیاتی دینداری: دینداری متغیری چندبُعدی است که برای عملیاتی کردن این مفهوم چندبُعدی به منظور شناخت میزان تقیّد پاسخگویان به دین و شناخت میزان دینداری آنها، باید ابعاد آن را مورد سنجش قرار داد. بر اساس الگویی که در این تحقیق برای سنجش دینداری در نظر گرفته شده است، دینداری شامل چهار بُعد اساسی است. توضیحاتی که در ادامه این گزارش در خصوص هر یک از این ابعاد ارائه می‌شود، در واقع کوششی است برای عملیاتی کردن متغیر دینداری.

۱. بُعد اعتقادات دینی

اعتقادات دینی، باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدانها اعتقاد داشته باشند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، «عقیده» محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۱). گلاک و استارک این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کرده‌اند: الف) باورهای پایه‌ای مسلم^۱ که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست. ب) باورهای غایت‌گرا^۲ که هدف خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند.

ج) باورهای زمینه‌ساز^۳ که روشهای تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، در بر می‌گیرد (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). نشانه دینداری در بُعد اعتقادی در واقع همان «داشتن معلومات، شناخت و در نهایت باور دینی» است.

۲. بُعد ایمانیات و احساسات دینی

وجه عاطفی دین که شامل بُعد ایمانی شخص دیندار می‌شود و در برخی از الگوهای غربی دینداری از آن به عنوان بُعد تجربی دین یاد شده است؛ در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بُعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بُعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی، شامل توجه، شناخت، اعتماد یا ایمان و ترس را در بر می‌گیرد. (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

به نظر می‌رسد برای سنجش میزان دینداری افراد از حیث احساسات و عواطف دینی بتوان از میزان ابراز محبت به ائمه اطهار (ع) و احساس نزدیکی به هم‌کیشان و دوری جستن از غیر مسلمانان و... سود جست.

۳. بُعد اخلاقیات دینی

توصیه‌ها و نواهی مربوط به حوزه نیکویی‌شناسی را «اخلاق» می‌گویند و آن، به داشتن تعامل نیکو و پسندیده با دیگران مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد نیت‌سنجی و انگیزه‌شناسی برای کشف عنصر دگردوستی و خیرخواهی در عمل فرد، با تمام دشواری‌هایش، تنها راه سنجش بُعد اخلاقی دینداری است. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۹)

اخلاق عبارت است از کلیه اعمال و کارکردهای اجتماعی که فرد دیندار بر اساس شریعت اسلام ملزم به رعایت آنهاست که عبارتند از: تعاون و همکاری، سازگاری، وفای به عهد، سخاوتمندی، حلم، احسان و... (خدایاری فرد، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹)

۴. بُعد شریعت و اعمال دینی (مناسک)

اصولاً یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در دینداری افراد، بُعد مناسکی است که گلاک از آن به عنوان بُعد آیین‌گرایانه نام می‌برد. از نظر گیرتس، مهم‌ترین ویژگی دین، ایمان است و مکانیسم ایجادکننده ایمان، مناسک است. ایقان دینی در جریان مناسک ایجاد می‌شود. (گیرتس، ۱۹۶۶: ۳۴؛ نقل از همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

مناسک یا اعمال دینی بر اعمالی ناظر است که در چارچوب زندگی دینی انجام می‌شود (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۵: ۱۱۶). به عبارت دیگر؛ بُعد مناسکی یا عمل دینی مشخص، نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیینهای مقدس خاص، روزه گرفتن و ... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند، در بر می‌گیرد. (سراجزاده و نوکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

در انطباق دین اسلام با اعمال دینی (مناسک)، نمازهای روزانه و روزه گرفتن در ماه رمضان اعمالی واجب برای هر مسلمان بالغ هستند و خواندن قرآن، شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، شرکت در مراسم جشن و عزا در مساجد یا سایر اماکن دینی به طور اکید توصیه می‌شود. (سراجزاده، ۱۳۸۴: ۱۶۷)

با توجه به تعاریف عملیاتی پیش گفته و نیز ابعاد دینداری مطرح شده در جدول ۱، برای اندازه‌گیری هر مؤلفه (شاخص) تعدادی معرف در نظر گرفته شد. (جدول ۲)

جدول ۲: شاخص‌ها و معرف‌های متغیر «دینداری»

ابعاد	شاخص‌ها	معرف‌ها
معتقد بودن	میزان معلومات دینی	- میزان اطلاع فرد از اصول دین - ایمان به وجود روز رستاخیز - دیدگاه فرد نسبت به مسئله حجاب - دیدگاه فرد نسبت به نقش دین در زندگی
مؤمن بودن	داشتن احساسات دینی	- احساس فرد نسبت به نقش خدا در زندگی - ایمان به نقش ائمه در سعادت بشر و شفاعت روز جزا - اعتقاد به نذر و صدقه - اعتقاد به وجود معجزه
فردی اخلاق	اعتقاد (عمل) به سجایای اخلاقی	- دیدگاه فرد در مورد رواج اخلاقی و رعایت حدود شرعی در جامعه - پرهیز از خشم و عصبانیت - دیدگاه فرد نسبت به میزان تقید مردم به اخلاق اسلامی
جمعی اخلاق	احساس مسئولیت در قبال جامعه	- احترام به حقوق دیگران - واکنش فرد نسبت به اصل امر به معروف و نهی از منکر - اطلاع فرد از احوال همسایگان و بستگان
عبادت	انجام واجبات و ترک محرمات	- میزان التزام به نماز خواندن - میزان التزام به روزه گرفتن - میزان التزام به ادای حقوق شرعی
	انجام مناسک	- میزان تلاوت قرآن - میزان حضور در نماز جماعت - میزان حضور در مراسمهای دعا و نیایش
فردی تکالیف عمل به	داشتن ظاهر دینی	- میزان انطباق پوشش ظاهری فرد با معیارهای اسلامی از نظر خود فرد
	ابراز هویت دینی	- افتخار به اعلام مسلمان بودن فرد در مواجهه با دیگران
جمعی تکالیف عمل به	داشتن اهتمام شعائری	- میزان زیارت اماکن مقدس - اعتقاد به تبرک جستن و استشفاء
	داشتن مشارکت دینی	- میزان مشارکت عملی در برپایی مراسم مذهبی

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری ♦ ۱۲۷

میزان کمک مالی به برپایی مراسم دینی یا ساخت و تعمیر اماکن مذهبی		
اولویت ارتباطات اجتماعی فرد - معامله و همسفرگی با همکیشان	داشتن معاشرت دینی	
چگونگی نام گذاری فرزندان - چگونگی تعلیم و تربیت دینی فرزندان	اهتمام دینی در خانواده	

بر مبنای جدول ۲، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۴۷ سؤال برای سنجش میزان دینداری افراد طراحی شد.

(و) یافته‌ها

یکی از مهم‌ترین مراحل اجرای تحقیقات میدانی، بررسی و سنجش اعتبار و پایایی ابزار سنجش (پرسشنامه) است. به ویژه در این تحقیق که هدف اصلی آن تهیه یک الگو و ساخت ابزار بومی برای سنجش میزان دینداری بوده است؛ بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

۱. روایی (اعتبار) ابزار سنجش دینداری

در پژوهش حاضر برای اطمینان از روایی ابزار سنجش، علاوه بر بهره‌گیری از روایی محتوایی^۱ اعتبار صورتی^۳ که مبتنی بر تأیید محققان و کارشناسان ژنده است، از سایر روشهای اعتبارسنجی (به ویژه اعتبار ملاکی و اعتبار سازه‌ای که با استفاده از روش تحلیل عاملی به انجام می‌رسد) بهره گرفته شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود.

یک روایی ملاکی^۲ (اعتبار وابسته به معیار): این نوع اعتبار، شاخص کارآمدی آزمون در پیش‌بینی رفتار [وضعیت واقعی] فرد در موقعیتهای خاص است (آناستازی، ۱۳۶۱: ۱۵۳؛ نقل از: صفری و حبیب‌پور، ۱۳۹۰: ۳۰۰). در این پژوهش به منظور بررسی اعتبار ابزار آزمون از طریق ملاک همزمان، از تمامی آزمودنی‌ها خواسته شد تا التزام دینی خود (میزان مذهبی بودن خودشان از دیدگاه خود) را روی یک طیف مدرج پنج قسمتی (از کاملاً مذهبی تا کاملاً غیر مذهبی) علامتگذاری کنند. این روش به عنوان شاخص فردی دینداری در تحقیقات بین‌المللی ارزشهای جهانی به کار می‌رود و به عنوان شاخص بسیار معتبری از دینداری افراد تلقی می‌شود (خدایاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۳). مشابه چنین روشی در تحقیقات سایر محققان نیز به کار رفته است که از جمله می‌توان به پژوهش طالبان (۱۳۷۸: بررسی رابطه دینداری و بزهکاری جوانان و ۱۳۷۹: بررسی تجربی دینداری نوجوانان کشور) و گلزاری (۱۳۷۸: سنجش میزان حیا در بین جوانان با استفاده از مقیاس معبد و حیا) اشاره کرد.

سپس ضریب همبستگی پیرسون میان مقیاس دینداری آزمودنی‌ها و ارزیابی آنان از التزام دینی خود محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

1) Validity

2) Content Validity

3) face validity

4) Criterion-related Validity

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب اینکه به طور کلی، خودشان را چقدر فردی «مذهبی» می‌دانند؟

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
کاملاً مذهبی هستم	۳	۵.۹	۵.۹	۵.۹
خیلی زیاد مذهبی هستم	۱۳	۲۵.۵	۲۵.۵	۳۱.۴
تاحدودی مذهبی هستم	۲۶	۵۱	۵۱	۸۲.۴
تاحد کمی مذهبی هستم	۷	۱۳.۷	۱۳.۷	۹۶.۱
اصلاً مذهبی نیستم	۲	۳.۹	۳.۹	۱۰۰
Total	۱	۱۰۰	۱۰۰	

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، حدود نیمی از پاسخگویان خود را «تاحدودی» مذهبی می‌دانسته‌اند (۵۱ درصد) و در مقابل حدود ۳۱.۴ درصد از پاسخگویان که خود را «خیلی زیاد یا کاملاً» مذهبی می‌دانسته‌اند، ۱۷.۶ درصد نیز خود را فردی مذهبی نمی‌دانسته‌اند.

همچنین، میزان مذهبی بودن پاسخگویان بر اساس مقیاس محقق ساخته نیز در سطح سنجش فاصله‌ای مورد اندازه‌گیری و محاسبه قرار گرفت و برای سهولت تحلیل و فراهم شدن امکان بررسی میزان همبستگی دینداری محاسبه شده و دینداری اعلام شده توسط خود پاسخگویان، نسبت به دسته‌بندی پاسخگویان بر حسب نمرات کسب شده در میزان دینداری ایشان در سه طبقه (دینداری زیاد، متوسط و کم) اقدام شد. جداول ۴، نتیجه بررسی‌های آماری در خصوص معناداری رابطه بین این دو متغیر و شدت همبستگی بین آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مذهبی بودن (خوداظهاری) به تفکیک میزان مذهبی بودن محاسبه شده

		میزان دینداری محاسبه شده			Total
		کم	متوسط	زیاد	
میزان مذهبی بودن بر اساس اعلام خود پاسخگو	تاحد کمی مذهبی هستم	۷	۲	۰	۹
		% ۶۳.۶	% ۸	% ۰.۰	% ۱۷.۶
	تاحدودی مذهبی هستم	۳	۱۸	۵	۲۶
		% ۲۷.۳	% ۷۲	% ۳۳.۳	% ۵۱
	خیلی زیاد مذهبی هستم	۱	۵	۱۰	۱۶
		% ۹.۱	% ۲۰	% ۶۶.۷	% ۳۱.۴
Total		۱۱	۲۵	۱۵	۵۱
		% ۱۰۰	% ۱۰۰	% ۱۰۰	% ۱۰۰

همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بیشترین کسانی که خود را فردی مذهبی معرفی نکرده‌اند (یعنی طبق اظهار خودشان تا حد کمی مذهبی بوده‌اند) بر اساس محاسبات انجام شده توسط شاخصها و سؤالات پرسشنامه محقق ساخته نیز افرادی غیر مذهبی شناخته شده‌اند و همین طور، افرادی که خود را تا حدودی مذهبی می‌دانسته‌اند، بر اساس معیارهای طراحی شده در ابزار سنجش نیز به نسبت بیشتر، افرادی با گرایشها و اعمال متوسط مذهبی شناسایی شده‌اند و در آخر نیز، بیشترین افرادی که خود را تا حد زیادی مذهبی می‌دانسته‌اند، ابزار سنجش نیز ادعای

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری ♦ ۱۲۹

آنها را تأیید کرده است. به نظر می‌رسد حتی بدون استفاده از ضریب همبستگی میان این دو یافته و بر اساس نتایج جدول ۴ می‌توان حدس زد که ابزار محقق ساخته برای اندازه‌گیری میزان دینداری افراد تا حد زیادی از اعتبار برخوردار باشد؛ زیرا در عمل توانسته است تا حد زیادی میزان مذهبی بودن افراد را مطابق با آنچه خود افراد اظهار کرده‌اند، شناسایی و تفکیک کند. اما جدول ۵ نیز برای حصول اطمینان آماری بیشتر مورد محاسبه قرار گرفته است:

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون همبستگی (کای دو) میان خوداظهاری مذهبی بودن و میزان مذهبی بودن

محاسبه شده

	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۳۰.۱۷۲	۴	۰.۰۰۰
N of Valid Cases	۵۱		

بر اساس جدول ۵ و با عنایت به مقدار «کای دو» با درجه آزادی ۴، حتی با فرض دو دامنه بودن، با اطمینان بیش از ۹۹/۹۹٪ می‌توان مطمئن بود که رابطه بین این دو متغیر ناشی از تصادف و خطای نمونه‌گیری نبوده و تفاوت مشاهده شده در بین پاسخگویان از حیث میزان دینداری آنها با استفاده از ابزار سنجش و خودابرازی ایشان یک رابطه واقعی است و در جامعه آماری نیز قابل مشاهده خواهد بود و این به معنای معتبر بودن ابزار سنجش دینداری بر مبنای معیار ملاک همزمان است؛ چرا که بر اساس جدول ۶ نیز شدت رابطه بین این دو متغیر (یعنی دینداری محاسبه شده توسط ابزار سنجش و میزان دینداری افراد بر اساس اعلام خودشان) با استفاده از ضریب همبستگی گاما (که رایج‌ترین آماره در جایی است که هر دو متغیر ترتیبی اند) ۰/۸۰۶:۱۳۸۳ (۱۷۰)، به میزان ۰/۸۰۶ مورد محاسبه قرار گرفته و جهت آن نیز مثبت است.

با توجه به مطالب پیش گفته نتیجه می‌گیریم که ابزار سنجش دینداری از اعتبار ملاکی همزمان برخوردار است.

دو روایی سازه‌ای:^۱ اعتبار سازه بیان می‌کند نتایج به دست آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری، تا چه حد با نظریه‌هایی که آزمون بر محور آنها تدوین شده است، تناسب دارد. به عبارتی، در اینجا محقق درصدد آزمون انطباق بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق است. روش آماری‌ای که برای نیل به این اهداف در نرم افزار SPSS تعریف شده، روش تحلیل عاملی است که یکی از متداول‌ترین روشها برای تعیین میزان اعتبار سازه در ابزار سنجش است. (حبیب‌پور و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

برای اندازه‌گیری متغیر «دینداری»، شاخصها و گویه‌های متعددی در پرسشنامه تحقیق پیش‌بینی و طراحی شده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی در عین حالی که می‌توان تناسب بین ابزار سنجش و سازه نظری تحقیق را بررسی کرد، عملاً می‌توان گویه‌ها و شاخصهای مفیدتر را شناسایی و نسبت به حذف گویه‌های نامناسب به منظور ارتقای تناسب آماری میان سازه نظری و تجربی نیز اقدام کرد.

گفتنی است که تصمیم‌گیری در خصوص حذف یا ابقای گویه‌ها یک تصمیم‌گیری چند لایه است؛ به نحوی که حذف یا ابقای یک گویه به طور همزمان باید هم منجر به ترکیب بهینه شاخصها در تحلیل عاملی شده، موجب

کاهش تعداد گویه‌ها و ارتقای سهم عاملها در تبیین متغیر اصلی شود و هم در عین حال از پایداری پرسشنامه نکاهد؛ چه اینکه برای ارتقای پایداری پرسشنامه در اغلب منابع علم آمار، بر زیاد بودن تعداد گویه‌ها و تعداد نمونه تأکید می‌شود. با عنایت به مراتب پیش گفته و با در نظر گرفتن حالت بهینه‌ترین از حیث بالا بودن همبستگی داخلی میان گویه‌ها و در عین حال، بالا بودن ضریب آلفای کرونباخ و عدم کاهش همبستگی میان خودارزیابی پاسخگویان در زمینه التزام دینی (دینداری)، مراحل ارزیابی اعتبار پرسشنامه بر مبنای روش تحلیل عاملی و ارزیابی پایداری پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ، به صورت چند مرحله‌ای به انجام رسید که در اینجا سعی می‌شود در عین رعایت اختصار، نتایج این بررسی‌ها تشریح شود.

۲. تحلیل عاملی ابزار سنجش «دینداری»

بر اساس جدول ۱، برای تشخیص دینداری افراد، هفت بُعد معرفی و برای تشخیص هر یک از این ابعاد نیز شاخصهایی معرفی شدند. همچنین بر اساس جدول ۲، برای سنجش عملیاتی هر یک از شاخصها، یک سلسله معرفتها شناسایی و برای اندازه‌گیری آنها نیز حدود ۴۷ سؤال در پرسشنامه اولیه تحقیق گنجانده شد.

برای تشخیص اینکه در درجه اول هر کدام از گویه‌ها چقدر قادر است ابعاد مورد نظر را تبیین کند، ابتدا به تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به هر بُعد پرداختیم. اقدامات مربوط به این مرحله نشان داد که اکثر گویه‌ها و سؤالات طراحی شده برای اندازه‌گیری ابعاد مورد نظر از اعتبار لازم آماری برخوردار بودند و سؤالات و گویه‌هایی که فاقد همبستگی لازم (کمتر از ۰/۵) با سایر گویه‌ها بودند از متن پرسشنامه حذف شدند (در اینجا برای رعایت اختصار از ذکر آماره‌های محاسبه شده برای تک تک گویه‌ها و شاخصها خودداری می‌کنیم).

در مرحله بعد با استفاده از مقادیر محاسبه شده برای هر بُعد از ابعاد دینداری (بر مبنای گویه‌های باقیمانده برای هر بُعد)، به تحلیل عاملی متغیر اصلی تحقیق (میزان دینداری) پرداختیم تا عملاً مشخص شود که آیا سازه تجربی محقق ساخته از نظر آماری قادر است سازه نظری تحقیق را پوشش داده و آن را به درستی اندازه‌گیری کند؟ چنانچه قبلاً اشاره شد، برای سنجش دینداری، تعداد هفت بُعد اعم از: اعتقاد، ایمان، اخلاق فردی، اخلاق جمعی، عبادات، عمل به تکالیف فردی و عمل به تکالیف جمعی، در نظر گرفته شده بود که طی فرایند پیش گفته، اعتبار سازه‌ای هر یک از شاخصهایی که بر مبنای گویه‌های سازنده این ابعاد ساخته شده بودند، بررسی و تأیید شد.

نتایج بررسی‌های آماری نشان داد که مقدار KMO محاسبه شده بیش از ۰/۷ بوده (۰/۷۸۰) و نتیجه آزمون بارتلت نیز در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های تحقیق (مقادیر محاسبه شده توسط شاخصهای محقق ساخته) برای سنجش دینداری معتبرند.

مقدار آماره استخراج شده در ذیل جدول همبستگی این شاخصها عدد ۰/۰۸۰ را نشان می‌دهد (Determinant = ۰.080) و چون این عدد بزرگ‌تر از ۰/۰۰۰۰۱ است، نشانگر آن است که داده‌های به دست آمده برای شاخصها فاقد هم‌خطی‌اند و به عبارتی؛ کاملاً مستقل از یکدیگرند، در عین حالی که با یکدیگر همبستگی معناداری دارند.

ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری ♦ ۱۳۱

جدول ۶، سهم هر یک از عاملها در تبیین واریانس هر شاخص را نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود، با عنایت به اینکه مقادیر همه شاخصها در ستون اشتراک استخراجی^۱ بیش از ۰/۵ (و در اغلب موارد حتی بیش از ۰/۵۶) است، بنابر این، نتیجه می‌گیریم که همه شاخصهای محقق‌ساخته‌ای که در این آزمون شرکت داده شده‌اند، برای سنجش متغیر مورد نظر (میزان دینداری) معتبرند.

جدول ۶: اشتراک اولیه و استخراجی خروجی تحلیل عاملی برای شاخصهای سنجش دینداری

	Initial	Extraction
معتقدبودن	۱.۰۰۰	۰.۶۴۱
مؤمن بودن	۱.۰۰۰	۰.۵۸۹
اخلاق فردی	۱.۰۰۰	۰.۷۳۵
اخلاق جمعی	۱.۰۰۰	۰.۵۶۱
عبادات	۱.۰۰۰	۰.۷۸۱
عمل به تکالیف فردی	۱.۰۰۰	۰.۵۷۶
عمل به تکالیف جمعی	۱.۰۰۰	۰.۶۶۱

داده‌های جداول پیشین و نتایج آزمون تحلیل عاملی بر روی شاخصهایی که برای سنجش دینداری در نظر گرفته شده‌اند، نشان می‌دهد که همه شاخصها از اعتبار لازم برخوردار بوده است. لذا ابزار سنجش دارای اعتبار لازم می‌باشد.

۳. پایایی (اعتماد پذیری)^۲ ابزار سنجش دینداری

روش‌های مختلفی برای دستیابی به اعتماد و پایایی ابزار سنجش وجود دارد که در بین روشهای مذکور، روش آلفای کرونباخ که تعمیم یافته روش کودر-ریچاردسون است، مهم‌ترین و پُرکاربردترین روش محاسبه پایایی ابزار اندازه‌گیری است. در این روش می‌توان گویه‌هایی را شناسایی کرد که با حذف آنها سطح ضریب آلفای کرونباخ افزایش می‌یابد و در نهایت چنانچه ضریب محاسبه شده که بر مبنای همبستگی درونی سؤالات محاسبه می‌شود، بیش از ۰/۷ بود، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار دارای پایایی لازم است و هر چه بر این مقدار افزوده شود، بر سطح اعتماد به ابزار سنجش نیز افزوده می‌شود.

برای اندازه‌گیری میزان دینداری پاسخگویان، حدود ۴۷ سؤال در پرسشنامه طراحی شده بود که سه سؤال از آنها بر اساس نتیجه آزمون تحلیل عاملی ابعاد دینداری از پرسشنامه حذف شدند و در فرایند بررسی پایایی مقیاس سنجش دینداری نیز یک سؤال دیگر حذف و در نهایت، ابزار سنجش دینداری با ۴۳ سؤال و گویه و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹۸ مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین، محاسبات نشان داد که حذف هیچ یک از سؤالات باقیمانده در پرسشنامه نمی‌تواند اعتمادپذیری (ضریب آلفای کرونباخ) ابزار سنجش دینداری را بیش از آنچه اکنون به دست آمده بالا ببرد. لذا بدین ترتیب، پرسشنامه مربوط به سنجش دینداری از حیث اعتمادپذیری با ۴۳ سؤال و گویه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

1. Extraction
2. Reliability

ز) نتیجه گیری

اغلب الگوهایی که تاکنون برای سنجش دینداری تهیه و پیشنهاد شده یا بعضاً حتی مورد آزمون قرار گرفته‌اند، عمدتاً با رهیافتی مسیحی و اغلب بر مبنای الگوی گلاک و استارک تهیه شده‌اند که در مورد نواقص آنها بحث شد. الگوهای پیشنهادی محققان داخلی نیز در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و استدلال شد که برخی از اجزای الگوهای بومی از نظر منطقی و نظری دارای اشکال است و برای رفع این اشکالات، الگوی جدیدی پیشنهاد شد که در این الگو، چهار بُعد شامل «اعتقادات مذهبی، ایمان، اخلاق و عمل به مناسک و اجرای شریعت» به عنوان ابعاد اصلی دینداری معرفی گردید و بر همین مبنای، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۴۳ سؤال و گویه تهیه و مورد آزمونهای آماری پیشرفته قرار گرفت و نتایج نشان داد:

۱. ابزار ساخته شده (پس از حذف گویه‌های نامناسب) با تکیه بر تمامی روشهای اعتبارسنجی، از اعتبار علمی لازم برای اندازه‌گیری میزان دینداری برخوردار است و نتایج بررسی‌های میدانی‌ای که به وسیله این ابزار به انجام خواهند رسید به واقع قادر خواهد بود که با اطمینان بالا، دقیقاً «میزان دینداری» پاسخگویان را اندازه‌گیری کند.
۲. ابزار ساخته شده (پس از حذف گویه‌های نامناسب) با تکیه بر روشهای اعتمادسنجی، قابلیت تکرارپذیری داشته و از پایایی لازم برای انجام پژوهشهای میدانی به منظور سنجش دینداری برخوردار است.

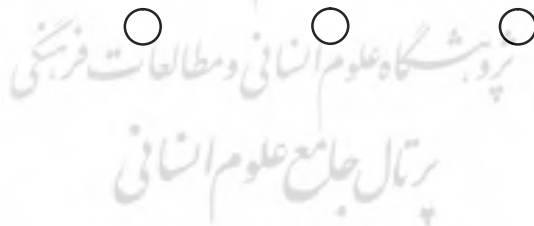
۱- لذا با توجه به یافته‌های مزبور، به نظر می‌رسد الگوی سنجش دینداری که در این تحقیق طراحی و مبنای ساخت پرسشنامه قرار گرفته است الگوی معتبری است و می‌توان از آن برای سنجش دینداری در فضای اجتماعی فرهنگی ایران استفاده کرد. این الگوی به لحاظ نظری با تعاریف و کارکردهای معرفی شده برای دین در نظریات جامعه‌شناسی دین انطباق داشته، همچنین ابعاد و ساحت‌های معرفی شده در آن برای شناخت دینداری در جامعه مسلمان مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام است و به لحاظ عملی و تجربی نیز از اعتبار لازم و کافی برخوردار است. بنابر این، می‌تواند در تحقیقات بعدی هم توسط سایر محققان مورد استفاده قرار گرفته و نواقص احتمالی آن در سایر جوامع مورد بررسی و ارزیابی و تکمیل قرار گیرد.

منابع

- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری شالی (۱۳۹۰). *راهنمای جامع کاربرد spss در تحقیقات پیمایشی*. تهران: مؤسسه راهبرد پیمایش.
- خداياری فرد، محمد و همکاران (۱۳۸۸). *آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه ایران (مراکز استانها)*. تهران: مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- دواس، دی‌ای. (۱۳۸۳). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نی، چ پنجم.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *صور بنیانی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). *جالهای دین و مدرنیته*. تهران: طرح نو.
- سراج‌زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز. (۱۳۸۰). «*بررسی تعریف عملیاتی دین داری در پژوهش های اجتماعی*». نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱.
- سعیدی، محمد مسعود (۱۳۹۱). «*جامعه‌شناسی دین و رویکردهای متفاوت به دین*». فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۷.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). «*مدلی برای سنجش دینداری*». نامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱ (بهار).
- شجاعی زند، علیرضا [و دیگران] (۱۳۸۵). «*بررسی وضعیت دینداری دانشجویان*». فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، ش ۲۶.
- صادقی حسن‌آبادی، مجید و حمیدرضا عبدلی مهر جردی (۱۳۸۷). «*ماهیت ایمان دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و پل تیلیخ*». فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش ۲۶.
- طالبان، محمدرضا و مهدی رفیعی بهابادی (۱۳۹۰). «*ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری*». فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۵.
- فرجی، مهدی و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷). «*آسیب‌شناسی تربیت دینی در بین جوانان (با تأکید بر جوانان شهر تهران)*». گزارش پژوهشی. تهران: سازمان ملی جوانان.
- گنجی، محمد (۱۳۸۳). «*تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان*». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- محسنی تبریزی، علیرضا و نعمت‌الله کرم‌اللهی (۱۳۸۸). «*بررسی وضعیت التزام دانشجویان به ابعاد و نشانه‌های دینداری*». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۲ (تابستان).
- مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۸۵). «*رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو*». رسانه، شماره ۱.
- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: علم.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- Berger, Peter and Thomas Luckman (1996). **Social Construction of Reality**. Translated by: Fariborz Majidi. Cultural and Scientific Pub.
- Dewas, D.A. (2004). **Scrolling in the Social Research**. Translated by H. Nayebi. Ney Publication.
- Durkheim, Emile (2004). **Basic Forms of Religious Life**. Translated by Bagher Parham. Markaz Publication.
- Fergie, M. and Nafisa Hamidi (2008). «*Pathology of Religious Education among Youth (With Emphasis on the Youth of Tehran)*». *The Research Report, the*

National Youth Organization.

- Ganji, M. (2004). **Explain the Religious Status of the Isfahan University Students**. Master's thesis, Isfahan University.
- Habibpour, Caram and Reza Safari Shaali (2011). **Comprehensive Guide SPSS Application in Survey Research**. Institute Survey Strategy.
- Hamilton, Malcolm (2008). **Sociology of Religion**. Translated by M. Salaasi. SALES (Third) Publication.
- Khodayarifard, M. & et al. (2009). **Prepared Scales of Religiosity and Religious Levels of the Different Strata of Iranian Society (Provinces)**. Institute of Psychology, Faculty of Education and Psychology Tehran University.
- Mohseni Tabrizi, A.R. And Ne'matollah Karam'ollahi (2009). **“Check the Status of Student Commitment to Religious Aspects and Symptoms”**. *Journal of Social Science Research*, Vol. 3, Number 2.
- Sadeghi Hassan Abadi, M. and H. Abdoli Mehrjardi (2008). **“The Essence of Religious Faith from the Viewpoint of Allameh Tabatabai and Paul Tillich”**. *Journal of Religious Thought University of Shiraz*, No 26.
- Saeedi, M.M. (2012). **“Sociology of Religion and Different Approaches to Religion”**. *Journal of Social Sciences*, No 57.
- Serajzadeh, Hassan (2005). **Challenges to Religion and Modernity**. Tarhe nu Publication.
- Shojaee zand, A.R. (2005). **“A Model of Religiosity”**. *Journal of Sociology of Iran*.
- Shojaee zand, A.R. and [others] (2006). **“Check the Status of the Students Religious”**. *Journal of National Studies*, Seventh Year.
- Taliban, M. and M. Rafeie Behabadi (2011). **“Inglehart's Empirical Assessment: The Relationship between Development and Religious”**. *Journal of Social Sciences*. No 55.
- Willem, Jean-Paul (1998). **Sociology of Religions**. Translated by Abdul Rahim Govahi, ELM (Science) Publication.


 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی